

کلید موفقیت نظام آموزشی ژاپن

نیره شاه‌محمدی

از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. آن‌ها به‌طور مستمر در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت شرکت و کیفیت و کارایی علمی لازم را برای تدریس و کار در مدارس پیدا می‌کنند. در این کشور احراز شغل معلمی بسیار دشوار است و تنها کسانی می‌توانند به این جایگاه مهم اجتماعی دست یابند که در آزمون‌های کتبی و مصاحبه‌ها پذیرفته شوند. در ژاپن ساعات کار معلم ۴۴ ساعت در هفته است که علاوه بر تدریس مواردی چون همکاری با مدیر در اداره مدرسه، شرکت در جلسات گروهی معلمان، راهنمایی دانش‌آموزان، شرکت در جلسات مشترک با والدین، تهیه طرح درس و بررسی تکالیف دانش‌آموزان را شامل می‌شود. حضور رسمی روزانه معلم در مدرسه از ساعت ۸ صبح تا ۴ و ۳۰ دقیقه بعدازظهر است، ولی بسیاری از معلمان معمولاً بیش از ساعات رسمی یاد شده در مدرسه می‌مانند، زیرا بر این باورند که چون هر کودکی دنیای ویژه و زندگی خاص خود را دارد پس باید بکوشند تا دانش آموز به شیوه درست و علمی رفتار کنند. این امر نه تنها یادگیری مؤثر دانش‌آموزان را با خود خواهد داشت، بلکه مهارت‌های آموزشی و پرورشی معلم را نیز پرورش خواهد داد. چنین رفتاری خود مستلزم به‌عهده گرفتن نقش‌های متعددی است که معلمان ژاپنی لازم است در کلاس درس، در مدرسه و در محیط آموزشی ایفا نمایند.

با وجود دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی یکی دو قرن اخیر در ژاپن، اساسی‌ترین عامل پیشرفت در این کشور را باید در نظام آموزشی آن جست‌وجو کرد. مردم و دولت ژاپن اهمیت بسیار زیادی به آموزش و پرورش می‌دهند. در این کشور بودجه آموزش و پرورش از طریق دولت، استانداری‌ها و شهرداری‌ها به‌دست می‌آید. اگرچه هیچ نوع «مالیات آموزشی» در ژاپن وجود ندارد، با این حال درصدی از عایدات مالیاتی به امر آموزش و پرورش اختصاص می‌یابد.

نظام آموزشی ژاپن مبتنی بر شایسته‌سالاری است و یکی از مهم‌ترین عوامل بالا بودن کیفیت آموزش در آن، برخورداری از معلمان شایسته و با صلاحیت است. دست‌اندرکاران نظام آموزشی این کشور معتقدند که شایستگی هر نظام آموزشی، به اندازه شایستگی معلمان آن نظام است و تحقق هر آرمانی در آموزش و پرورش در گرو نیروی انسانی آن، یعنی معلمان، است که عامل اجرایی آرمان‌ها در محیط عملی هستند و هیچ اصلاحی بدون همکاری و مشارکت فعال آنان عملی نخواهد بود.

در ژاپن، معلمان همیشه

در ژاپن معلمان خود را ملزم و متعهد می‌دانند که دانش‌آموزان را به سطح استاندارد مشخصی از پیشرفت تحصیلی برسانند. به همین دلیل، شیوه‌های کهنه شده ارزشیابی را به کار نمی‌برند؛ زیرا بر این باورند که این شیوه‌ها تأثیر زیان‌باری در فرایند یادگیری دانش‌آموزان دارد؛ بنابراین آن‌ها همواره تلاش می‌کنند:

➤ بر موضوع درس خود تسلط کامل داشته باشند و چارچوب تدریس را به‌گونه‌ای طراحی کنند که خلاقیت را در دانش‌آموزان بالا ببرد؛
 ➤ از روش‌های فعال و تعاملی تدریس به‌منظور مشارکت دادن و درگیر کردن دانش‌آموزان در فرایند تدریس و انتقال کامل و درست مفاهیم آموزشی به او بهره‌گیرند؛
 ➤ همواره از یادگیری فردی شده و تلفیقی، به‌منظور زمینه‌سازی برای یادگیری مستقل در دانش‌آموزان، استفاده کنند؛

➤ آموزش‌های لازم را به فراگیران در مورد فکر کردن، تمرکز حواس، طرح سؤال و حل مسئله، از طریق طرح یک مشکل، در کلاس درس بدهند. برای این کار معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا برای مسئله مورد نظر راه‌حل پیدا کنند و خودش حاصل کار تک‌تک دانش‌آموزان را بررسی می‌نماید و در پایان از چند دانش‌آموز می‌خواهد که به جلوی کلاس بیایند و یافته‌های خود را روی تخته بنویسند. روشن است که برخی از پاسخ‌ها درست و برخی نادرست خواهد بود، لذا او از سایر دانش‌آموزان می‌خواهد درباره فرایند و شیوه حل، در هر مورد، نظر بدهند. از این طریق دانش‌آموزان درمی‌یابند که علت غلط بودن برخی از پاسخ‌ها چیست، و نیز اینکه برای هر سؤال بیش از یک پاسخ می‌تواند وجود داشته باشد؛

➤ بر تدریس عملی و کارگروهی در هنگام تهیه و سازماندهی محتوا، ارائه درس و ارزشیابی (طراحی آموزشی) تأکید کنند؛ باید دانست که شیوه آموزش و تدریس معلمان در ژاپن عمل‌گرایانه است. آن‌ها از آزمایش و پژوهش در تدریس خود استفاده می‌کنند و دانش‌آموزان را در کارهای مدرسه مشارکت فعال می‌دهند. این کار در تهیه و سازماندهی محتوا، ارائه درس و ارزشیابی آن به‌ویژه در موضوعات بین رشته‌ای نقش اساسی دارد.

➤ درخصوص مسائل شناختی و فراشناختی دانش‌آموزان را آموزش دهند تا آن‌ها در این زمینه

مهارت پیدا کنند؛

➤ محیط یادگیری را به‌گونه‌ای شوق‌انگیز طراحی کنند که بر روابط انسانی، پیوندهای عاطفی، صمیمیت، رفتار گروهی و احساس تعلق خاطر به معلم، کلاس درس و مدرسه استوار باشد؛

➤ به رشد شخصیت کودک و ارائه محتوای متناسب با آن تأکید و توجه زیادی بنمایند؛

➤ محتوای آموزشی را به‌گونه‌ای ارائه دهند که برای دانش‌آموزان خسته‌کننده نباشد؛

➤ برای ایجاد و پرورش تفکر سیال و طرح سؤالات ذهنی از سوی فراگیران زمینه‌سازی کنند؛

➤ از بازی‌های آزاد در فرایند تدریس استفاده کنند؛

➤ کلاس را به گروه‌های کوچک برای انجام فعالیت‌های گروهی تقسیم کنند؛

➤ شیوه‌های شاد زیستن و لذت بردن را به فراگیران آموزش دهند؛

➤ در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ضعیف از گروه همسالان، مطالعه آزاد، سهمیم کردن دانش‌آموزان در تجربیات با یکدیگر و... کمک بگیرند؛

➤ مشکلات آموزشی دانش‌آموزان را با استفاده از راهبردهای مناسب آموزشی حل کنند؛

➤ دانش‌آموزان را به خلاقیت و نوآوری ترغیب کنند. همچنین تک‌تک آن‌ها را به‌سوی استفاده صحیح و جهت‌دار از استعدادها و توانایی‌های فردی هدایت و راهبری نمایند؛

➤ منعطف بوده و به دانش‌آموزانی که در امتحان خود عملکرد پایینی دارند کمک نمایند؛

➤ با تک‌تک یا گروهی از دانش‌آموزان کارگروهی انجام دهند؛

➤ درک درستی از توانایی‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان کسب کنند، در مورد دانش‌آموزان آگاهی کامل داشته باشند و بدانند که در کجاها دانش‌آموزان دارای نقطه‌ضعف می‌باشند؛

➤ دانش‌آموزان را به‌منظور اطلاع از میزان یادگیری آن‌ها از درس جدید ارزیابی نمایند؛

➤ به‌منظور ایجاد ارتباط آن با دروس دیگر یک خلاصه و جمع‌بندی از درس جدید ارائه دهند؛

➤ به دانش‌آموزان در پی بردن به اختلاف فرهنگ‌ها، سبک‌های زندگی، نگرش‌ها و توانایی‌ها کمک کنند؛

➤ بر انجام تکالیف دانش‌آموزان نظارت و عملکرد آن‌ها را بررسی نمایند.



معلم به عنوان الگویی برای دانش آموزان

➤ از کلمات مثبت و لبخند در کلاس درس و در رویارویی با دانش آموزان استفاده کند؛

➤ از دانش آموزان در زمینه احساساتشان سؤال کند و به آن‌ها برای ابراز احساسات خود فرصت دهد؛

➤ اخلاق خوب داشته، در عین مهربان بودن، هر جا لازم است برخورد بسیار جدی با مسائل از خود نشان دهد؛

➤ رفتار دانش آموزان را از طریق مشوق‌های کلامی تغییر دهد؛

➤ دانش آموزان را به اینکه شهروندان خوبی باشند تشویق کند؛

➤ به دانش آموزان احترام بگذارد، به آن‌ها توجه کند و به حرف‌هایشان خوب گوش دهد؛ این شیوه رفتار این احساس را در دانش آموزان به وجود می‌آورد که مدرسه را دوست بدارند و با رغبت به آن پای بگذارند؛

➤ رفتارهای مورد انتظار را یادآوری کند و عواقب رفتار نامناسب را به دانش آموزان به‌منظور پذیرش اشتباهات خود و تلاش برای جبران یا اصلاح آن‌ها گوشزد کند؛

➤ از منافع فردی و اجتماعی تک‌تک دانش آموزان حمایت کند؛

➤ به تمامی دانش آموزان گوش دهد، با آن‌ها هم سخن شود و همدردی نماید و به ارائه بازخورد و پاسخ درست به آن‌ها توجه نماید.

در ژاپن اعتقاد بر آن است که تحصیل فقط یاد دادن درس‌های مختلف به دانش آموزان نیست بلکه پرورش روحیه همکاری با دیگران، پرورش اخلاقیات و نیز حس مسئولیت‌پذیری و رفتار اجتماعی در دانش آموزان نیز بخشی از آن است. برای تحقق این امر لازم است که معلم:

➤ باتک‌تک دانش آموزان ارتباط و تعامل برقرار کند؛

➤ حس اعتماد به نفس در دانش آموزان را، از طریق تفویض مسئولیت به آن‌ها در انجام برنامه‌های کلاسی مدرسه و پذیرفتن مسئولیت در قبال برون‌دادهای آموزشی را ایجاد و پرورش دهد؛

➤ روحیه مشارکت در دانش آموزان را پرورش دهد و آن‌ها را به صورت عملی در فرایند تدریس و فعالیت‌های مدرسه درگیر نماید؛

➤ بر رفاقت، دوستی و همکاری بین دانش آموزان به جای رقابت در داخل و خارج از مدرسه تأکید نماید؛

➤ بین دانش آموزان برای اداره مدرسه همکاری ایجاد نماید؛

➤ خود انضباطی و خودمدریته را در دانش آموزان پرورش دهد؛

➤ به رشد عاطفی، اجتماعی و خود ادراکی در دانش آموزان توجه کند؛ در ژاپن بر رشد اجتماعی دانش آموزان تأکید بسیار زیادی شده است؛

➤ دانش آموزان را با نام کوچک مورد خطاب قرار دهد؛



معلم به عنوان راهنمای فراگیران

فعالیت‌های روزانه خود کمک کند؛

➤ در تهیه برنامه روزانه و هفتگی و سالانه برای مطالعه به دانش آموزان کمک کند؛

➤ به دانش آموزان در ایجاد عادات درست مطالعه کمک نماید؛

➤ دانش آموزان با هوش و کم توان را، به‌منظور برنامه‌ریزی و ارائه طرحی برای پاسخگویی درست و برآوردن نیازهایشان بازشناسی کند؛

➤ اشتباهات دانش آموزان را تصحیح کند و به آن‌ها کمک کند تا به مهارت در آن درس برسند.

در ژاپن، معلمان، معمولاً کلاس را به چند گروه تقسیم و برای هر کدام یک سرگروه تعیین می‌کند و بر عملکرد هماهنگ گروه تأکید می‌نماید. اگر یکی از شاگردان کاری را که به او محول شده انجام ندهد یا موافق گروه رفتار نکند، بچه‌های دیگر اختیار دارند که به او برای همکاری فشار بیاورند. در این میان معلم به‌عنوان راهنما و هدایت‌گر دانش آموزان لازم است:

➤ به دانش آموزان در شناسایی و درک علایق، قابلیت‌ها و مهارت‌های فردی خود کمک کند؛

➤ به دانش آموزان در نظم بخشیدن به

در تحقیقی که در سال ۲۰۰۵ در ژاپن انجام گرفت مشخص شد که ۸۰ درصد از پدر و مادرهای ژاپنی نگران وضعیت درسی فرزندانشان هستند. انجمن‌های اولیا و مربیان در ژاپن تحت نظارت مدرسه تشکیل می‌شود و والدین معمولاً فعالیت زیادی در آن دارند. در این راستا لازم است معلمان: **+** در انجمن‌های اولیا و مربیان، در صورت لزوم، شرکت کنند و از والدین درباره انتظارات آنان از مدرسه نظرسنجی نمایند؛ **+** با اولیا و دیگر اعضای خانواده دانش آموزان در زمینه‌های زیر ارتباط برقرار سازند: الف. ارائه گزارشی از پیشرفت و مشکلات تحصیلی دانش آموزان؛ ب. معرفی و بحث در مورد مأموریت مدرسه و برنامه‌های تحصیلی و مشاوره‌ای آن؛ ج. زمینه‌سازی همکاری بسیار نزدیک خانواده با مدرسه.

+ زمینه همکاری و مشارکت دانش آموزان در اداره مدرسه را به صورت عملی فراهم نمایند؛ **+** با شاگردان به منظور توضیح و تشریح انتظارات خود، محدودیت‌ها و قوانین انضباطی کلاس درس و مدرسه ارتباط برقرار کنند؛ **+** با همکاران و معلمان دیگر که موضوع مشابه آنان را تدریس می‌کنند، همکاری و تشریح مساعی بنمایند. معلمان ژاپنی مسئولیت‌های

بسیاری در قبال سایر معلمان هم‌ردیف خود دارند و در فعالیت‌های گروهی مربوط به ارتقای روش‌های تدریس حرکت می‌کنند؛ **+** با دانش آموزان، همکاران و سایر کارکنان مدرسه از طریق شبکه‌های اجتماعی ارتباط برقرار سازند؛

+ از احساس مسئولیت در ارتباط با دانش آموزان خود برخوردار باشند؛ این مسئولیت تنها به ساعات کلاسی محدود نمی‌شود، بلکه رفتار بیرون از مدرسه دانش آموزان را نیز در بر می‌گیرد. فراهم آوردن فضای دوستانه و صمیمی در کلاس درس و محیط مدرسه نیز یکی از مسئولیت‌ها و وظایف معلمان در ژاپن است. دانش آموز در چنین فضایی، در زمینه خلاقیت‌های کلامی بیشتر رشد می‌کند و ترغیب می‌شود و معلمان اولین کسانی هستند که می‌توانند نظم را در کلاس درس خود برقرار سازند و در صورت جدی بودن مشکلات دانش آموزان، از دیگر معلمان، کادر آموزشی مدرسه، مشاوران و مدیر کمک بگیرند. معلمان انجمن‌هایی را سازماندهی می‌کنند تا از طریق آن به هماهنگ‌سازی رویدادها در سطح مدرسه کمک نمایند. معلمان ژاپنی اعتقاد دارند که ایجاد انگیزه در کودک نقطه عطف موفقیت اوست و تمام کودکان با تشویق مناسب قادر به کسب مهارت تا استادی در برنامه‌های آموزشی می‌باشند.



*** منابع**

۱. بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۶)، درس‌هایی از ژاپن، خبرنامه انجمن دوستی ایران و ژاپن، سال هفتم، شماره ۱۶.
۲. بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، فرهنگ آموزش در ژاپن، نشریه پیوند وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲۶۳.
۳. جعفریان، محمد (۱۳۷۳)، آموزش و پرورش در ژاپن، انتشارات کوکب.

4. Arani, M. and T. Fukaya (2009), *Learning Beyond Boundaries: Japanese Teachers Learning to Reflect and Reflecting to Learn*, Child Research Net website, www.childresearch.net/RESOURCE/RESEARCH/2009/ARANI.HTM.

5. CIA (Central Intelligence Agency) (2010), *Japan: Country Background Information*, CIA World Factbook (online), Central Intelligence Agency, Washington DC, available at www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ja.html.

6. Mizukoshi, T. (2007), *Educational Reform in Japan: Retrospect and Prospect*, Osaka University, Osaka, available at <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/ap-city/unpan011543.pdf>.

